

# معلم به افق تغییر

نقش معلمان در تحولات آینده آموزش و پرورش از نگاه معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

گفت‌و‌گوا: محمد دشتی  
عکاس: غلامرضا بهرامی



سال گذشته «برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران» که در حکم نقشه راه و قانون اساسی نظام آموزش و پرورش کشورمان است، رسماً ابلاغ شد و معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌هایی که فرزندان آنان به کلاس ششم ابتدایی یا گذاشته بودند، اولین تأثیر یک دگرگونی فراگیر را تجربه کردند. رشد معلم در سال‌های گذشته به برخی ابعاد این برنامه و طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته بود. امسال برای تبیین بیشتر این برنامه، در اولین گام با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان در خصوص جایگاه و نقش معلمان در اسناد تحولی نظام آموزش و پرورش به گفت‌و‌گو نشستیم.

مبعوث شده‌است. او می‌فرماید: «رب زدنی علما» وجود شریف پیامبر که متصل به فیض بیکران حضرت حق است، باز از درگاه ایزد متعال مسئلت می‌کند که: خدایا بر علم من بیفز! هم شخصیت‌م را زیاد کن و هم دانشم را.

**آیا معلم الزاماً باید این ویژگی‌ها را داشته باشد تا بتواند با اسناد تحولی از جمله برنامه درسی ملی همراه شود.**

قطعاً همین‌طور است. معلم باید این ویژگی‌ها را داشته باشد تا بتواند به‌طور مؤثر و موفق معلمی کند. برای همین اعتقاد داریم بیان این ویژگی‌ها و رسمیت یافتن آن‌ها در سند برنامه درسی ملی اتفاق بزرگ و مبارکی است که می‌تواند خط‌های معلمان ما برای همراهی و همدلی با این سند و نقشه راه باشد.

در نگاه چنین معلمی، تک‌تک دانش‌آموزان شخصیت‌های منحصر به فردی هستند که باید هر کدام در موقعیت خاص خود راهنمایی و راهبری شوند. توجه به تفاوت‌های فردی، هنر بزرگ چنین معلمی است.

امروز در نظام‌های پیشرو تعلیم و تربیت، توجه به تفاوت‌های فردی و برنامه‌ریزی برای رشد آن‌ها یک اصل اساسی است که مبنای بسیاری از برنامه‌ها قرار می‌گیرد و معلم در این میان نقش مهم و بی‌بدیلی دارد.

آنان را فراهم می‌سازد. یعنی معلم به‌عنوان یک الگو تنها موعظه و نصیحت نمی‌کند، بلکه کمک می‌کند ظرفیت‌ها و قابلیت‌های وجودی دانش‌آموز شناسایی و شکوفا شود. البته باید دقت شود که: معلم برای دانش‌آموز تصمیم نمی‌گیرد، بلکه تنها با راهنمایی و آگاهی دادن کمک می‌کند که دانش‌آموز به تصمیم و انتخاب برسد.

۳. زمینه‌ساز رشد عقلانی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان است.

معلم زمینه‌ساز رشد و شکوفایی استعداد فطری شاگردان خویش است. در چنین فرضی معلم باید بصیر و آگاه باشد. همچون باغبان و زارع، اقتضای فصل‌ها را بشناسد، زمان بارش و باران را بداند، نوع شخم زدن را بداند و برای رشد و تعالی فرزندان معنوی خود نقش‌آفرینی کند.

۴. راهنما و راهبر فرایند یاددهی-یادگیری است. این معنا هم بسیار روشن و واضح است و از آن می‌گذرم.

۵. برای خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی مسئولیت‌تطبيق، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی و تربیتی در سطح کلاس را برعهده دارد.

۶. یادگیرنده و پژوهشگر آموزشی و پرورشی است. یعنی معلم هم یادگیرنده است و هم مدام در حال بازآموزی و نوسازی دانش خود. مبنای این جمله دعای قرآنی پیامبر اکرم (ص) است که معلم

ضمن سپاس از فرصتی که به مخاطبان رشد معلم اختصاص داده‌اید، قبل از هر چیز بفرمایید در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی چه نقش و جایگاهی برای معلمان تعریف شده است؟

اساساً روح حاکم بر سند تحول و برنامه درسی ملی، تکریم شأن و جایگاه معلم است. طبق این اسناد، معلم کارگردان اصلی آموزش و پرورش است و اصولاً برنامه درسی ملی هنرش این است که این نقش را به رسمیت شناخته و به‌خوبی بازنمایی و تشریح کرده است. به عبارتی، تأکید دارد که معلم باید ایفای نقش کند تا کار تعلیم و تربیت به سامان شود. لذا با ادبیاتی خاص و در شش بند معلم را این‌گونه تعریف می‌کند:

۱. معلم (مربی)، در مسیر راه‌انبیا و ائمه اطهار (ع)، اسوه‌ای امین و بصیر برای دانش‌آموزان است.

یعنی هویت معلم به‌عنوان یک الگو و اسوه به رسمیت شناخته شده‌است. در چنین نگاهی، معلم فقط یک کارمند و حقوق‌بگیر نیست که وظیفه‌اش صرفاً حضور در مدرسه و انجام تکلیف اداری باشد. در چنین نگاهی، معلم الگویی بصیر و آینده‌نگر است. این عبارات بار تعهدی دارد و تکالیف و به تبع آن حقوق معلم برآمده از چنین نگاهی است.

۲. با شناخت و بسط ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی زمینه درک و اصلاح مداوم موقعیت



**فکر می‌کنید همهٔ معلمان ما از توانمندی کافی برخوردار هستند تا بتوانند با طرح تحول بنیادین که چنین انتظارات چشمگیری از آنان دارد همراه شوند؟** بله من اعتقاد دارم همهٔ معلمان ما به‌طور بالقوه ظرفیت همراهی با این طرح را دارند، اما در بسیاری از موارد باید این قوه به فعل دربیاید. بر همین اساس در برنامهٔ درسی ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به تربیت حرفه‌ای معلمان توجه ویژه‌ای شده است.

**وقتی از تربیت حرفه‌ای حرف می‌زنید، بیشتر به کدام گروه نظر دارید؟ معلمان شاغل یا آن‌هایی که قرار است جذب شوند؟** روش به فعلیت رساندن این قوه به نسبت وضعیت معلمان تفاوت می‌کند. توان و دانش معلمان فعلی باید با برنامه‌های آموزشی تقویت شود و در مورد کسانی که قرار است در آینده معلم شوند، براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، انتخاب معلم، نظام جدیدی پیدا کرده است. در همین راستا دانشگاه فرهنگیان تأسیس شده است که نقش «تربیت معلم» سابق را به‌صورت کامل‌تر ایفا می‌کند. هر کس بخواهد وارد آموزش و پرورش شود باید از طریق دانشگاه فرهنگیان وارد شود. با توجه به نیازهای روز و اینکه اعتقاد داریم حداقل مدرک معلم باید لیسانس مرتبط با کار او باشد، این دانشگاه در حد لیسانس،

فوق لیسانس و ان‌شاءالله دکتری، به داوطلبان خدمت در آموزش و پرورش، خدمات آموزشی ارائه خواهد کرد.

**تا اینجا از تکالیف معلمان صحبت شد، آیا با وجود این تکالیف مسئولیت آفرین، در خصوص حقوق برآمده از این تکالیف هم اقدامی صورت گرفته است؟**

بله! این سند، علاوه بر وظایفی که برای معلم قائل شده، برای دستگاه تعلیم و تربیت هم تکالیفی مشخص کرده است که یکی از آن‌ها استمرار آموزش‌های حرفه‌ای است. کلیت این سند به دنبال تغییر نگاه معلم و ایجاد نگرشی نو به تعلیم و تربیت است. البته این تحول در نگاه، هم برای معلم و به‌طور مثال، مفهوم «یادگیری مادام‌العمر» در این سند، ناظر بر این معناست که در برنامهٔ تحول بنیادین آموزش و پرورش، یادگیری و یاددهی فرایند مستمری است که برای معلم و دانش‌آموز هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود. این موضوع ضرورت آموزش‌های

حرفه‌ای و شغلی معلمان را برجسته می‌کند و جزو حقوقی است که برای معلم پیش‌بینی شده است؛ شبیه آنچه برای بازآموزی پزشکان و مهندسان

تعریف شده است.

**طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش و به تبع آن برنامهٔ درسی ملی، با ابلاغ نظام آموزشی جدید از سال ۱۳۹۱ وارد مرحلهٔ اجرایی خود شده است، توصیهٔ شما به معلمان در خصوص همراهی با این طرح و برنامه چیست؟**

توصیهٔ من به معلمان عزیز این است که اسناد مربوط به تحول بنیادین و برنامهٔ درسی ملی را با دقت و حوصله مطالعه کنند تا اولاً بدانند که نقش و جایگاه بی‌بدیل آنان در این گام بزرگ و تغییر بنیادین آموزش و پرورش چیست و از سوی دیگر به حقوق و امتیازاتی که برای آنان پیش‌بینی شده است آگاه شوند. نکتهٔ مورد تأکید من این است که در این سند حق و تکلیف معلم هر دو با هم تبیین شده است و خوب است که معلمان از آن آگاهی یابند تا در مسیر زندگی حرفه‌ای خود از آن به‌خوبی بهره‌برند. از آن‌جا که این امر موضوعی تدریجی و مستمر است، معلمان طی دوره‌ای چند ساله

با این گام بزرگ در آموزش و پرورش همراه خواهند شد، تأخیر در این امر یا کندی در همراهی با این طرح عظیم، باعث خواهد شد ضمن از دست رفتن

### نمی‌شود

### گفت چون

### تمام شرایط

### فراهم نیست،

### پس اصلاً از

### موضوع تحول

### صرف نظر

### کنیم

فرصت‌های فراوان، خودشان نیز از قافله تحول عقب نمانند و قطعاً تبعات آن برای دوستان و همکارانی که در این وادی تأخیر داشته باشند منفی خواهد بود.

ایجاد تعامل دوطرفه بین معلمان و مسئولان از جمله نقش‌هایی است که مجله رشد معلم و سایر رسانه‌ها باید ایفا کنند و این فرصت را فراهم نمایند تا معلمان به راحتی بتوانند کاستی‌ها را گوشزد کنند.

**حال که نظام آموزش و پرورش سقف پرواز خود را ارتقا داده است، بفرمایید که بوج مراقبت این برنامه در حال حاضر کجاست و معلمان نظرات و پیشنهادات خود را چطور باید منعکس کنند؟**

ما در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی که متصدی اجرای برنامه درسی ملی است، گروه پایش برنامه درسی ملی را در حوزه ریاست سازمان ایجاد کرده‌ایم. این گروه با مشارکت پژوهشگاه آموزش و پرورش، ارزشیابی و اعتباربخشی مداوم برنامه را برعهده دارد. از سویی دیگر، گروه پایش، نظرات، عقاید و پیشنهادات فردی را هم دریافت و بررسی و وزن دهی می‌کند. سپس، ضمن تطبیق با رویکردهای علمی، آن‌ها را مورد استفاده قرار می‌دهد. یعنی برای پایش برنامه درسی ملی بین سازمان، مخاطبان برنامه درسی ملی و به خصوص معلمان، خط ارتباطی دائمی برقرار است.

**برای مدیریت دانش در این حوزه ساز و کار خاصی تعریف شده است؟**

چند سال قبل موضوعی با عنوان «ویکرد مدیریت اسلامی در مدیریت آموزشی» را در همین سازمان اعلام کردیم. آن زمان توصیه بنده این بود که مدیران آموزشی ما تجربه‌های خودشان را مکتوب کنند تا بتوانیم طی چند سال گنجینه‌ای از تجربه‌های عینی در مدیریت آموزشی فراهم کنیم. متأسفانه از این نوع مستندسازی‌ها کمتر انجام داده‌ایم و حالا هم عرض بنده این است که

مدیران، معلمان و همه عوامل دخیل در آموزش، تجربه‌های خود را مکتوب کنند. خوانندگان عزیز مجله رشد معلم تصور کنند که با داشتن جمعیتی بالغ بر یک میلیون معلم و کادر آموزشی، هر سال اگر ده هزار مورد هم از این تجربه‌ها را مکتوب و مستند کنیم چه منبع عظیمی از اطلاعات در اختیار خواهیم داشت!



**به نظر می‌رسد بسیاری از معلمان ما چنان که باید آماده همراهی با این تحول نیستند، این اشکال چگونه رفع خواهد شد؟ آیا برای همراه کردن معلمان با اسناد تحول کمی دیر نیست؟**

اتفاقاً مشارکت معلمان در این طرح از هر برنامه و طرح دیگری در دوران بعد از انقلاب اسلامی ایران بیشتر و مؤثرتر بوده است. درست است که برخی معلمان شاید هنوز برای تطبیق با شرایط تغییر آماده نباشند، اما این را هم باور ندارم که نمی‌خواهند با آن همراه شوند. در تولید این اسناد به‌طور گسترده از بدنه کارشناسی آموزش و پرورش که به نوعی نمایندگان معلمان بوده‌اند، استفاده شده است و علاوه بر استفاده از نظر و دیدگاه صاحب‌نظران و علمای اعلام، از هر استان کشور به‌طور متوسط ۳۰ نفر طی چند سال با دبیرخانه طرح همکاری داشته‌اند. اصلاً این طرح و سند برنامه درسی ملی بدون حضور و نقش آفرینی معلمان معنا و مصداقی پیدا نمی‌کند که بخواهیم بگویم معلمان با آن همراه‌نیستند.

یکی از بخت‌باری‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش این است که از عالی‌ترین مقام مسئول در جمهوری اسلامی ایران (مقام معظم رهبری) و قوای سه‌گانه تا بدنه آموزش و پرورش و عامه مردم با این نگاه تحولی موافق هستند و اتفاقاً این جزو مطالبات جدی و پیگیرانه آن‌هاست.

**آیا آسیب‌هایی که ممکن است اجرای برنامه را تهدید کند مورد توجه**

**هستند؟ به‌طور مثال گاهی مطرح می‌شود که آموزش‌های ارائه شده برای همراهی با برنامه درسی ملی کفایت نمی‌کند.**

حتماً باید نسبت به این موضوع توجه داشته باشیم. همه مراقبت‌های لازم صورت می‌گیرد تا این آسیب‌ها به حداقل برسد و اتفاقاً در همین ارزیابی‌ها با مسائلی مواجه شده‌ایم که حاکی از کافی نبودن آموزش معلمان است. لذا دوره‌هایی پیش‌بینی شده‌است تا بتوانیم در کوتاه‌مدت معلمان را به شرایط مطلوب‌تری برای همراهی با این طرح و برنامه درسی ملی برسانیم.

**گمان نمی‌کنید در اجرای برنامه کمی تعجیل کرده‌ایم و هنوز همه عوامل و از جمله معلمان آمادگی کافی برای همراهی با این برنامه را ندارند؟**

وجود اشکالات را نفی نمی‌کنیم، اما اگر به دنبال این باشیم که همه عوامل و امکانات آرمانی مهیا شود و همه معلمان آمادگی کامل برای همراهی با طرح را پیدا کنند، بعد آن را اجرا کنیم، مطمئن باشید این شرایط با آن کیفیت هیچ‌گاه مهیا نخواهد شد. اصولاً در ارزیابی هر برنامه باید همه عوامل تأثیرگذار مورد توجه قرار گیرند تا بتوانیم قضاوت درستی داشته باشیم. جزئی نگری بدون در نظر گرفتن شرایط کلی حاکم بر یک برنامه یا طرح ما را از امکان ارزیابی دقیق و درست آن محروم خواهد کرد. به همین دلیل عرض می‌کنم، این پیش‌فرض که معلمان آماده همراهی با طرح تحول بنیادین یا برنامه درسی ملی نیستند، جای تأمل دارد و نمی‌توان چنین ادعایی را اثبات یا بر اساس آن کلیت موضوع را مورد تردید قرار داد.

**با این اوصاف چرا زودتر به فکر آماده کردن معلمان برای همراهی با این طرح نیفتاده‌ایم؟**

همیشه می‌توان گفت چرا زودتر اقدام نکرده‌ایم، اما باید توجه کنیم که حسرت خوردن و ماندن در گذشته مشکلی را حل نمی‌کند. نظام تعلیم نظامی پویا و زنده است. مثل قلب تپنده‌ای است که باید در عین تپیدن مورد عمل جراحی قرار گیرد و نمی‌توان مثل یک ماشین آن را موقتا خاموش و تعمیر کرد. لذا این انتظار که همه با برنامه همراه شوند و سپس در مسیر تحول قرار بگیریم خیلی انتظار درستی نیست. اگر گام‌هایی را که در اسناد تحولی دیده شده است، درست برداریم و معلمان با تکالیف و حقوق حاصل از اجرای این طرح آگاه شوند، کار طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی به سامان خوشی خواهد رسید.

## در مرحله اجرا ممکن است تفسیرهای مختلفی از این اسناد بشود، مرجع دیصلاح برای تفسیر این اسناد کیست؟

بله ممکن است چنین باشد و اگر بنده بر امر اطلاع رسانی و ایجاد تعامل بین مخاطبان طرح و به‌ویژه معلمان تأکید دارم برای این است که عرض کنم باید دقت داشته باشیم، قرار نیست در مرحله اجرا هر کدام از مجریان تفسیر خاص خود را داشته باشند. هرگونه تفسیر جدید از این طرح و برنامه به‌عهده نهاد تصویب‌کننده است. این اسناد ادبیات خاص خود را دارند که ما حق افزودن تفسیری خاص یا تحمیل نظری جدید را بدان نداریم و اگر هم قرار باشد چنین اتفاقی بیفتد، این کار باید توسط نهادی صورت بگیرد که پایش برنامه را برعهده دارد.



افراد، سلسله‌مراتبی شبیه هیئت علمی دانشگاه‌ها ایجاد خواهد شد و عناوینی همچون مربی معلم، دانشیار معلم، استاد معلم و استادیار معلم خواهیم داشت. در این صورت، جایگاه معلم صرفاً با گذراندن سنوات خدمت و افزایش سابقه تدریس ارتقا نخواهد یافت. معلم برای پیشرفت حرفه‌ای خود باید پژوهش کند، باید مشاوره آموزشی و تربیتی بدهد، باید مواد آموزشی تولید کند و باید مدیریت آموزشی را تجربه کند. در این چشم‌انداز، مدیریت مدرسه، نوعی مدیریت چرخشی خواهد بود و همه فرصت مشارکت در آن را خواهند داشت. این طرح یک طرح انتزاعی و نمادین نیست. روشن است که با اجرای کامل آن، معلم و دیگر عوامل دخیل در آموزش و پرورش همانند استادان دانشگاه از رتبه علمی و مزایای مادی آن بهره‌مند خواهند شد.

## در نظام ۶-۳-۳ که یکی از مصادیق اجرای برنامه درسی ملی است، معلمان با مشکلاتی در تدریس مواجه بوده‌اند و گاهی شنیده می‌شود که دانش‌آموزان خود را قربانی این طرح تلقی می‌کنند که نشانگر اقعان نشدن ذهن آنان نسبت به این طرح است. در این مورد هم توضیح بفرمایید.

گاهی ما تفسیر خودمان را به دیگران تعمیم می‌دهیم. اما اگر مراقب نباشیم برخی برداشت‌ها منطبق با واقعیت نخواهند بود. تفاوت نگاه بنده و شما در این است که شما از برخی دیده‌ها و شنیده‌ها صحبت می‌کنید و بنده به دلیل مسئولیتی که دارم، علاوه بر مشاهده مستقیم، این تفاسیر را به محک پژوهش و تحقیق نیز آزموده‌ام. باید اعتراف کنم گاهی در باز دیده‌های خود، از مشاهده نتایج عینی این طرح حالت ابتهاج داشته‌ام، به دلیل اینکه نقاط مثبت و امیدوار کننده طرح را بسیار بیشتر و اثرگذارتر از اشکالاتی یافته‌ام که در هر اقدام بزرگی اجتناب‌ناپذیر است.

## آیا مدت دوره‌های پیش‌بینی شده برای آموزش معلمان را برای توجیه و همراه کردن آن‌ها کافی می‌دانید؟

شاید شما بگویید ۱۸۰ ساعت آموزش برای این طرح کافی نیست، ولی ما در شرایطی هستیم که فعلاً به لحاظ بودجه، امکانات و مسائل دیگر نمی‌توانیم بیش از این مقدار دوره برگزار کنیم. نمی‌توان گفت چون تمام شرایط فراهم نیست، پس اصلاً از موضوع تحول صرف‌نظر کنیم. از طرف دیگر، مطالبات جامعه و مسئولان ارشد نظام این اجازه را نمی‌دهد که با چنین استدلال‌هایی در این امر حتمی و ضروری تأخیر شود.

همین که ما به اینرسی سکون غلبه کرده‌ایم و حرکت آغاز شده است، امر بسیار مهمی است که

باید مراقبت کنیم با کمترین هزینه و بالاترین تأثیر راه خودش را پیدا کند و نهادینه شود.

کار بزرگی مانند طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش طیفی از اقدامات، برنامه‌ها، سیاست‌ها و راهکارهاست که در نقد و نظر پیرامون آن باید به این طیف توجه شود. سیاه دیدن امور از طرف منتقدان یا سفید دیدن همه اقدامات و نتایج از سوی مجریان، کار را به انحراف می‌کشاند و مشکلی را حل نمی‌کند. باید با نگاه علمی و بدون گمانه‌زنی‌های شخصی قضاوت کنیم و رمز موفقیت این طرح هم در گرو همدلی و همراهی معلمان با این طرح است و هر اقدامی که در این زمینه صورت گیرد در نهادینه شدن و تأثیرگذاری آن مؤثر خواهد بود.

به‌طور معمول، هر تغییر و تحولی مقاومت‌هایی را هم برمی‌انگیزد، اما مطمئن باشید اگر بتوانیم این طرح را به‌خوبی برای معلمان تبیین و توجیه کنیم، آنان که قلبشان برای آبادانی و سربلندی ایران می‌تپد و برای سرنوشت فرزندان این آب و خاک ارزش قائل هستند، در همراهی با این برنامه کوتاهی نخواهند کرد.

## چشم‌انداز تأثیر این اسناد را در زندگی معلمان چگونه می‌بینید؟

اساساً ما در اجرای این طرح‌های تحول جویانه به‌دنبال معلمان حرفه‌ای هستیم. ما معلم را یک پژوهنده می‌دانیم. در راستای این حرفه‌ای شدن، نظام رتبه‌بندی معلمان پیش‌بینی شده است. در این نظام رتبه‌بندی، با توجه به توانمندی و کارایی

## برای تحقق نظام رتبه‌بندی معلمان چه مدتی را پیش‌بینی می‌کنید؟

آیین‌نامه نظام رتبه‌بندی براساس سند تحول بنیادین آماده شده، در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح گردیده و کلیات آن در دولت به تصویب رسیده است. در مرحله بعد، کلیات آن یا در مجلس شورای اسلامی مطرح خواهد شد یا ممکن است مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای اجرای آن کفایت کند. فکر می‌کنم استقرار این نظام رتبه‌بندی حدود سه سال طول بکشد. وقتی مستقر شد، هر معلم دوره ابتدایی می‌تواند استادمعلمی با دکترای آموزش ابتدایی باشد.

شأن معلم بسیار بالاتر از این است که چند ساعت در روز کودکان مردم را اداره کند. معلم باید تولید علم کند و احساس نماید پیشرفت در زمینه‌های گوناگون با تلاش‌های علمی و حرفه‌ای خودش گره خورده است.

کوتاه سخن اینکه طرح تحول بنیادین یک الزام ترقی‌خواهانه در نظام تعلیم و تربیت کشور است که باید به تدریج نهادینه شود و نظام آموزش و پرورش را به مفهوم واقعی متحول کند و حیات طیبه‌ای را که

مورد انتظار است فرا روی فرزندان شریف این آب و خاک قرار دهد.

ان‌شاءالله.